

کیما

ویراست جدید

پرورده حرم مولانا

در روایتی از زندگی رازآلود شمس تبریزی

غلامرضا خاکی



فهرست

۳	درآمد از دکتر توفیق سبحانی
۷	پیشنگاشت نگارنده
۸	شمس در سپهر عرفان
۸	دلیل نگارش این کتاب
۹	زندگانی شمس در کانون کنجکاو‌های شبه‌عرفانی
۱۲	مجال خیال
۱۴	از زمان‌نویسی تا تاریخ‌نگاری
۱۵	شمس خیالی یا واقعی؟
۲۰	وکلای امروزی کیمیا
۲۳	طیف ارزیابان زندگانی عارفان
۲۴	خاستگاه بدآموزی در کلام بزرگان
۲۵	دلایل بدفهمی‌ها از شخصیت شمس
۲۹	پیشگام شمس‌شناسی در ایران
۳۰	ویژگی‌های تصحیح خوشنویس
۳۲	اثرات تصحیح خوشنویس
۳۲	پیشنهادی برای تدوین کتاب مقالاتی نو
۳۳	پیشینه این نوشتار
۳۴	اهداف کتاب حاضر
۳۵	رخدادها و بازتاب‌های کتاب
۴۰	یادآوری‌ها

سخن آخر ۴۱

فصل (۱):

شمس تبریزی! که ای تو؟

مقدمه ۴۵

خورشید اندر ابر حرف ۴۵

در رؤیای دریا ۴۶

آغاز توفان روحی ۴۹

مدد غیبی ۵۱

پای در ره ۵۲

سلوک ظاهری شمس ۵۳

استادان و مشایخ شمس ۵۴

تحصیل علوم رسمی شمس ۵۵

پیشه و کار و بار شمس ۵۶

دیدگاه و سبک معلمی شمس ۵۷

دیدگاه شمس درباره قرآن ۵۷

خُلُق و خُوی شمس ۵۷

صفا و یکرنگی شمس ۵۹

دیدگاه شمس درباره پیامبر ۶۱

شریعت‌مداری شمس ۶۱

کرامات در نگاه شمس ۶۳

شمس جوایب زندگی ۶۴

اصول مریدپذیری در طریقت شمس ۶۵

خودشیفتگی یا واقع‌نمایی شمس؟ ۶۷

جایگاه سخن نزد شمس ۶۹

شمس و نگاشتن ۷۲

رواداری و فراخ‌اندیشی شمس ۷۳

نقد جمال‌پرستان ۷۶

پرسه‌زنی در غربستان ۷۶

تا بتابد نور عشق از قونیه ۷۷

فصل (۲):

ای آمده تا مرا بخوانی

مقدمه ۸۱

اولین دیدار ۸۴

مولانا در آزمون تحمل ۸۷

شمس، شیخ یا مرید؟ ۸۹

دور اول مخالفت‌ها ۹۰

دخالت شمس در زندگی علاءالدین ۹۱

کوج آفتاب پرنده ۹۵

فصل (۳):

هین که نگار می‌رسد

مقدمه ۹۹

شکار صنم‌گریز یا ۹۹

باز به هم آمدیم ۱۰۳

فصل (۴):

دست در گردن دیگری

مقدمه ۱۰۷

بایان آوارگی پرنده ۱۰۸

دیدگاه پیر تبریز درباره زنان ۱۱۰

قفسی برای پرنده ۱۱۲

موضع کیمیا در خواستگاری ۱۱۳

علاءالدین، خواستگار قبلی کیمیا؟ ۱۱۴

خانه آفتاب ۱۱۵

رهبر دشمنان شمس ۱۱۶

کیمیا: عشوهِ گر چموش ۱۲۲

کیمیا: زیبای بداخلاق ۱۲۶

کیمیا: بیمار نافرمان ۱۲۸

خدا در صورت کیمیا ۱۲۹

۱۸۲	نتیجه‌گیری
	پیوست‌ها
۱۸۷	پیوست (الف) : شمس، در کشاکش با کدامین کیمیا؟!
۱۸۷	مقدمه
۱۹۰	معمای شمس تبریزی
۲۹۱	رمان‌هایی درباره کیمیا
۱۹۱	رمان اول: کیمیا خاتون
۱۹۲	رمان دوم: دختر رومی
۱۹۳	تصویر ناقده‌سی شمس در کتاب خانم قدس
۱۹۸	کیمیا: قهرمانی برای سینمای هالیوودی؟!
۱۹۹	مقایسه رمان‌های دختر رومی و کیمیا خاتون
۲۰۷	آن خانه برنور
۲۱۱	تنبیه و تهدید مولانا به خاطر کنیزان
۲۱۲	دفاع پیر بلخ از عروس
۲۱۴	ساختارشکنی مولانا
۲۱۶	تأمل
۲۱۹	پیوست (ب) : علاء‌الدین، افتخار جلال‌الدین؟
۲۲۰	نامه‌های مولانا به علاء‌الدین
۲۲۴	مرگ علاء‌الدین
۲۲۵	آرامگاه علاء‌الدین چلبی
۲۲۶	بهاء‌الدین در سوگ علاء‌الدین
۲۲۶	حضور مولانا بر مزار علاء‌الدین چلبی
۲۲۷	ناسازی تاریخی داستان بخشودگی
۲۲۸	میراث علاء‌الدین
۲۳۰	تداوم دشمنی در خاندان مولانا
۲۳۳	پیوست (ج) : رمان یا رساله سیر و سلوک؟
۲۳۳	اشاره
۲۳۴	دلایل توجه به رمان شافاک

۱۳۰	نقد روایت
۱۳۱	مرگ کیمیا در دور روایت
۱۳۳	روایت یکم: مرگ کیمیا در خانه شمس
۱۳۳	اشاره
۱۳۴	نقد و ارزیابی روایت مینا
۱۳۷	شمس: سیف‌الله؟ (شمشیر خدا؟)
۱۳۸	کرامت‌های مخدوش‌ساز
۱۴۱	کرامتی از نوعی دیگر
۱۴۴	برداشت‌های نادرست
۱۴۵	نتیجه‌گیری
۱۴۷	روایت دوم: مرگ کیمیا بعد از جدایی
۱۴۷	اشاره
۱۴۸	حامیان کیمیا
۱۴۸	در پیشگاه قاضی
۱۴۹	تأمین مهریه
۱۵۰	پس از جدایی
۱۵۱	راز تحمل
۱۵۳	سرانجام کیمیا، مطلقه یا کشته؟

فصل (۵) :

بی ما کجا شد؟

۱۵۷	مقدمه
۱۵۸	واماندگی مولانا در جنیره عنادها
۱۶۳	نقد شمس از عملکرد مولانا
۱۶۶	رنجش، درویش شمس
۱۷۱	کجا شد؟ ای عجب!
۱۷۲	چگونگی غیبت شمس
۱۷۵	پریدن در افق غیب
۱۷۷	افسانه شو
۱۸۲	عروسی مولانا با شاهد ازلی

۲۳۵	رمان تخیلی یا مستند تاریخی؟
۲۳۶	خلاصه داستان
۲۳۷	رویکرد نقد
۲۳۸	نکته‌های قابل تأمل در رمان
۲۳۹	سخن آخر
۲۴۱	پیوست (د): نقد و نقد بازی، نشان نادریشی؟!
۲۴۱	مقدمه
۲۴۲	نسیه یا نقد؟
۲۴۲	تشکر از ناقد
۲۴۳	شمس هتاک یا عارفی بی‌باک؟
۲۴۵	فرازهایی از نقد
۲۴۹	پاسخ ناقد به روایت خویش
۲۵۰	پاسخ‌های کلی نگارنده به ناقد
۲۵۵	یک خاطره
۲۵۷	یادداشت‌ها و منابع
۳۰۷	نمایه

ای خیال اندیش، دوری، سخت دور
 سر او از طبع کار افزا می‌پرس
 چنگ پُرسی شمس تبریزی که بود
 چشم جیخون بین و از دریا می‌پرس

مولانا

پیشینه‌نگار اشتباه نگارنده

«ایشان را شرم نمی‌آید که در کتاب
بنویسند چنین چیزها؟! کسی این‌ها
را در کتاب نویسد؟!»

شمس

سخن چالش‌برانگیزی هست که گفته‌اند: «عرفان چیزی نیست مگر نگاه هنری و جمال‌شناسانه نسبت به الهیات و دین. از این چشم‌انداز هیچ دین و مذهبی وجود ندارد که در آن نوعی عرفان وجود نداشته باشد.»^۱ اسلام هم خالی از عرفان نیست و عرفای ما خود را فراتر از یک هنرمند زیباگرا دانسته‌اند که به دنبال خلق زیبایی هنری باشند. آن‌ها خود را کاشفان و تماشاگران حقیقی‌ای دانسته‌اند که در کثرت ذره ذره جهان پدیدار است. در عرفان اسلامی نام «ابن عربی» که هم‌روزگار با شمس تبریزی است اهمیت فراوانی دارد. جایگاه او چندان والا است که او را پدر عرفان اسلامی نامیده‌اند، هر چند کسانی هم هستند که نقدهایی را درباره‌ی عرفان ابن عربی مطرح کرده‌اند و گفته‌اند: «قدری جسورانه و دور از ادب می‌نماید ولی از گفتن آن پروایی نیست که عرفان ابن عربی محصول جابه‌جایی پارادایم‌های (Paradigms) مشخصی است که هر نوع ترکیب آن‌ها، نوعی گزاره‌ی معنی‌نما را به دست می‌دهد. بی‌پرده‌تر بگوییم بازی با

آن کیمیا نامی، بهتر { از همه } بود، به همه چیز،
هم به جمال، هم بد من نگفت، اما { زندگی ام با
او } چیزی نشد. خدایش بیامرزد.

شمس

الف) اهمیت تعالیم شمس به مولانا و شاگردانش برای گشودن راهی
 تو در عرفان که «ورای پیری و مریدی است.» (۷۷۸:۱)

ب) شناخت شمس و پیوند او با کیمیا، خانواده و شاگردان مولانا بر
 برداشت از چگونگی شخصیت او.

کندوکاو در ساحت نخست، هدف این کتاب نیست بلکه به دلایلی که
 در پی می‌آید بخشی از ساحت دوم، یعنی زندگی مشترک شمس با کیمیا،
 یا توجه به پیشینه زندگانی پیر تبریز هدف اصلی نگارش این نوشتار است.

زندگانی شمس در کانون کنجکاوی‌های شبه‌عرفانی

به نظر می‌رسد مولانا به تدبیر خود یا به درخواست شمس، برای
 ساماندهی زندگی شمس تبریزی در اقامت اول یا دوم او در قونیه،
 دختری (۱۹) به نام کیمیا را به عقد او در آورد. تدبیری که هدف آن ایجاد
 زندگی مشترک و سرو سامان دادن شمس بود. این طرح مولانا به آن امید
 بود که زندگی شمس عادی شده و او در قونیه ماندگار شود. برنامه‌ای که
 مولوی هرگز فکر نمی‌کرد زمینه‌ساز شکل‌گیری ماجرای مثلثی شود.
 مثلثی غم‌انگیز که پیر و پسر و یکی از پروردگان حرمش درگیر آن
 می‌شوند و سرانجام دو حادثه مهم زیر را در زندگی او پیش می‌آورند:

۱. بی‌سامانی و غیبت پیرش (= شمس تبریزی)

۲. قطع پیوندش با پسرش (= علاءالدین محمد)

فزون بر مخالفت‌های همیشگی پاره‌ای ظاهراندیشان با عرفان و
 عرفان. بیش از دو دهه است که آغاز و انجام زندگی خانوادگی شمس و
 چگونگی نقش مولوی در آن، دغدغه ذهنی دوستان و معتمدان و مایه طعن
 دشمنان عرفان شده است. عده‌ای از این رهگذر کوشیده‌اند تا به زعم
 خود در اندرونی تاریک مولوی، نورافشانی کنند^۳ و حقوق پایمال‌شده
 و تازان ایرانی را در تاریخ، بازکاوی کنند. گفتارها و نوشتارهایی که مخالفان

الفاظ است. البته ممکن است کسانی از طراز ویتگنشتاین کل مجموعه
 عرفان را بازی با الفاظ بدانند ولی در اینجا قیاس تصوف خراسان تصوف
 بوسعید و خرقانی و بایزید و عطار و مولوی است با آنچه از فرمایشات
 ابن عربی و صدرالدین قونوی و عبدالکریم جیلی و... در قلمرو تعیین اول
 و تنزل ثانی و فیض اقدس و فیض مقدس است که هر ترکیب و تغییری،
 نوعی گزاره معنی‌نما را به دست می‌دهد حتی در ترکیبات تصادفی.^۲

در همین راستا می‌توان یکی از خطاها را تلاش برای درک مولانا در
 چارچوب اندیشه ابن عربی دانست. ابن عربی که مولانا فتوحات زکی قوال
 را بر کتاب فتوحات مکی او ترجیح می‌دهد. (۳: ۴۷۰)

شمس در سپهر عرفان

همواره در هفتصد سال اخیر هر بحثی که درباره عرفان ایرانی-اسلامی
 پیش آمده است با مولوی پیوند می‌یابد و نام شمس تبریزی به دلیل نقش
 او در شکل‌گیری شخصیت عرفانی مولوی، نیز در میان آورده می‌شود.
 کندوکاوی همیشگی در چند و چون ساحت‌های گوناگون زندگی پیر تبریز
 در جریان تاریخ عرفان است هر چند کسی درباره چگونگی زندگی
 شمس قبل از آمدنش به قونیه جز آنچه در مقالات، رساله سپهسالار و
 مناقب‌العارفین نقل شده است خبری ندارد.*

دلیل نگارش این کتاب

بررسی شیوه سلوک شمس و ماجراهایی که در قونیه رخ داد به دلایل
 گوناگون برای جویندگان حقیقت اهمیت دارد مانند:

* شیوه آدرس‌دهی منابع اصلی در این کتاب: کتاب مقالات شمس تبریزی تصحیح دکتر
 محمدعلی موحد با شماره (۱) و رساله سپهسالار تصحیح دکتر موحد با شماره (۲) و
 مناقب‌العارفین تصحیح تحسین یازجی با شماره (۳) و کتاب فی‌مافیه تصحیح دکتر بهمن
 زهت با شماره (۴) و مکتوبات مولانا به تصحیح دکتر سبحانی با شماره (۵) مشخص
 شده‌اند. برای نمونه (۱: ۴۵) یعنی کتاب مقالات شمس صفحه ۴۵.